

## چرايي بن بست مذاكرات وين!

در شرايطي كه انتظار مي‌رفت مذاكرات وين ميان ايران، كشورهاي ۴+۱ و ايالات متحده پيرامون احيايي توافق هسته‌اي سال ۲۰۱۵ نهايتا پس از ۵ الي ۶ دور به نتيجه موردنظر برسد و طرفين اجرايي برنامه جامع اقدام مشترك را از سر بگيرند، مذاكرات همچنان بدون پيشرفت و دستيابي به نتيجه موردنظر ادامه دارد و بيم آن وجود دارد كه تداوم اين شرايط در نهايت به بن‌بست رسيدن مذاكرات ختم شود.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، در چنين وضعيتي ايالات متحده و كشورهاي اروپايي ايران را متهم مي‌كنند كه تصميمات سياسي لازم براي تفاهم را اتخاذ نمي‌كند و اين امر باعث مي‌شود روند مذاكرات طولاني شود. چنانكه وزير خارجه فرانسه نيز روز گذشته هشدار داد با گذشت زمان و از دست رفتن فرصت مناسب براي احيايي توافق هسته‌اي باعث خواهد شد، بازگشت به استانداردهاي وضع شده در برجام بسيار دشوار شود.

از مواضع مقامات اروپايي و امريكايي چنين برمي‌آيد كه طرف غربي، برنامه مشخص و هماهنگ شده‌اي را به ايران پيشنهاده کرده‌اند و تهران به دليل آنكه آن را تامين‌كننده شروط مدنظر مقامات ارشد كشور نمي‌داند تاكنون از پذيرش آن سر باز زده است.

تهران تلاش دارد تا موافقت ايالات متحده را براي لغو تمامي تحريم‌هايي كه پس از خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌اي وضع شد، جلب كند در حالي كه شواهد و مواضع طرف امريكايي نشان مي‌دهد دستيابي به اين هدف عملا غيرممکن است.

جو بايدن، رييس‌جمهور امريكا و ساير مقامات ارشد اين كشور در حوزه سياست خارجي، برخي تحريم‌هايي را كه در دوره رياست‌جمهوري ترامپ عليه ايران وضع و اعمال شده را بي‌ارتباط با موضوع برجام ارزيابي مي‌كنند و از همين رو موافق لغو آنها نيستند، در مقابل ايران لغو همه اين تحريم‌ها را شرط بازگشت به برجام مي‌داند و بر اين باور است كه عدم لغو تحريم‌ها در اين مرحله باعث مي‌شود؛

طرف مقابل بخواهد از آنها براي وادار ساختن ايران براي نشستن بر سر ميز مذاكره در موضوعات غيرهسته‌اي نظير سياست‌هاي منطقه‌اي يا برنامه موشكي استفاده كند.

به نظر مي‌رسد در صورت پاي فشردن طرفين بر مواضع كنوني دور هفتم مذاكرات نيز بي‌نتيجه بماند اما طرفين مي‌توانند با يك ابتكار از اين شرايط عبور كنند. پيشنهادهي كه من آن را تامين‌كننده منافع ايران مي‌دانم، آن است كه تهران و واشنگتن بر سر مسائل برجامي يعني تحريم‌هاي اصلي نفتي و بانكي و بيمه و hellip؛ در مقابل اجرايي بخش عمده تعهدات هسته‌اي توافق كنند و بعد در ادامه به گفت‌وگو بر سر مسائل مورد اختلاف نظير تحريم‌هايي كه ايالات متحده ماييل به لغو آنها نيست مذاكره كنند.

رخ دادن اين اتفاق باعث مي‌شود ايران از مزايای اقتصادي توافق بهره‌مند شود و با دستيابي به منابع مالي خود شرايط و کاهش ضعف داخلي در حوزه اقتصاد شرايط بهتري نيز براي مذاكره پيدا كند. با اين وجود، بيروزي جرياني كه دقيقا تفكراتي در نقطه مقابل دولت آقاي روحاني دارند، باعث مي‌شود اميدها براي به نتيجه رسيدن چنين راه‌حلي كاهش يابد.

بايد در نظر داشت كه وضعيت اقتصادي كنوني ايران وضعيتي خطرناك است و ادامه آن تبعاتي بسيار بد و قابل پيش‌بيني در پي خواهد داشت. ايران در تنگنای پيچيده‌اي قرار دارد؛ هر يك روز تداوم تحريم‌ها آسيب زيادي به اقتصاد ايران وارد مي‌كند و ارزيابي‌ها نشان مي‌دهد امكان تداوم وضعيت فعلي تا مدتي طولاني وجود ندارد. مواضع اروپا و امريكا هم نشان مي‌دهد آنها ممكن است در صورت تداوم روند فرسايش كنوني مسير ديگري را در پيش گيرند.

ازسوي ديگر فشار جمهوري خواهان بر آقاي بايدن درخصوص مذاكرات يك فاكتر مهم است كه نمي‌توان آن را نادیده گرفت و طولاني شدن مذاكرات به آنها كمك خواهد كرد تا به هدف خود يعني به بن‌بست رساندن بازگشت به برجام دست پيدا كنند. بيروزي اصولگرايان در انتخابات ايران نيز بي‌ترديد بر وضعيت مذاكرات اثرگذار است. طرف مقابل نگراني‌هاي بسياري درخصوص رفتارهاي دولت آینده ايران دارد و از سوي ديگر تحريم‌هايي كه عليه رييس‌جمهور آینده وجود دارد باعث مي‌شود هزينه تعامل با ايران براي كشورهاي ديگر سخت شود.

يكي ديگر از خطراتي كه ايران را تهديد مي‌كند، گزارش دبيركل آژانس بين‌المللي انرژي اتمي است. در صورت به نتيجه نرسيدن مذاكرات و تداوم اين روند فرسايشي كه يكي از نمونه‌هاي ضرورت تمديد ماهيانه تفاهم دوجانبه با آژانس پيرامون تصاوير دوربين‌هاي تاسيسات هسته‌اي است، ممكن است رافائل گروسي با ارايه گزارشي منفي به شوراي حكام شرايط را به نحوي تغيير دهد كه شوراي حكام، حل و فصل پرونده ايران از طريق آژانس را غيرممکن اعلام کرده و موضوع را به شوراي امنيت سازمان ملل متحد ارجاع دهد.

شرايط منطقه‌اي هم به ضرر ايران است. گزارش‌هايي كه رسانه‌هاي غربي منتشر مي‌كنند حاكي از آن است كه ايالات متحده، اسراييل و برخي ديگر از بازبگيران منطقه‌اي نظير عربستان سعودي درصدد ايجاد ائتلافي جديد عليه ايران هستند و تصميم دارند فشارهاي منطقه‌اي عليه تهران را افزايش دهند. در صورتي كه مذاكرات در هفته‌هاي باقي مانده از دولت آقاي روحاني به نتيجه نرسد و ادامه مذاكرات به زماني پس از روي كار آمدن دولت جديد موكل شود، حصول نتيجه بسيار سخت‌تر خواهد شد.

مساله اين است كه ميان مذاكره‌كنندگان كنوني و طرف مقابل درك دقيق و صحيح وجود دارد و روي كار آمدن تيم جديد سياست خارجي مي‌تواند تاثيري بسيار منفي بر روند مذاكرات بگذارد. از سوي ديگر، هرچند دولت‌ها در ايران در حوزه سياست خارجي نقش مجري را دارند و تصميمات كلان در جاي ديگري گرفته مي‌شود، اما نقش مجري‌ها در اين موضوع بسيار مهم است.

واقعيت هم اين است كه فردي نظير آقاي ظريف ديگر وجود ندارد و تحويل گرفتن پرونده از او و سپردنش به فردي ديگر مي‌تواند كار را سخت‌تر كند.